

سه راهبرد قرآنی برای جهان اسلام

سید احمد زرهانی

مقدمه

برخی از نقاط جهان اسلام دستخوش تلاطم و آشوب شده‌اند. هجوم مستقیم و خشونت‌بار استکبار از یک‌سو و خیزش تکفیریهای عصبانی و منحرف از سوی دیگر، حرث و نسل مسلمانان را به خطر انداخته است و هر روز آتش برادرکشی و مسلمان‌کشی در جای جای جهان اسلام شعله‌ورتر می‌گردد. هرچند هم‌زمان با این اوضاع آشفته، بارقه بیداری اسلامی دل امت اسلامی را به وجد می‌آورد، ولی عقلای امت، نگران اتحاد خواسته و ناخواسته دشمن دانا و دوست نادان علیه مصالح اهل قبله‌اند و برای خروج از این مهلکه، جسته و گریخته تلاش می‌کنند. در هیچ برهه از تاریخ اسلام حتی در دوران سیاه استعمار که فرهنگ «تفرقه بیافکن و حکومت کن» رواج یافته بود، این‌گونه مسلمانان به مسلخ نرفته‌اند. بوی نفت استکبار جهانی را مست کرده است و دشمن برای چپاول این ثروت خدادادی و جلوگیری از رشد بیداری اسلامی و حفظ رژیم نامشروع و اشغالگر قدس، دست به هر جنایتی می‌زند و از حربه تفرقه افکنی نهایت استفاده را می‌برد.

عده‌ای از نخبگان جهان اسلام مهر سکوت بر لب زده‌اند و یا دیر هنگام و کم تأثیر و با احتیاط، از این شرایط ناهنجار انتقاد می‌کنند و با این کم‌فروشی و محافظه‌کاری، اسباب نابودی مسلمانان را به دست

بیگانگان فراهم می‌آورند. گویی فراموش کرده‌اند که چند صباح دیگر - که چندان هم دور نیست - با نهیب «وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُؤُونَ»^۱ آنان را در محکمه عدل الهی میخ‌کوب می‌کنند و مورد بازخواست قرار می‌دهند.

استکبار جهانی با سیاست یکی به نعل و یکی به میخ، پس از روشن کردن آتش فتنه و جنگ، به تناوب با دستان مرئی و نامرئی خود، طرفین را تجهیز و تسلیح می‌کند، تا جنگ و خون‌ریزی طولانی شود و خانه‌ها، معابر، معابد و مساجد ویران گردند و مسلمانان شتاب‌زده نفت و گاز را «بِثَمَنِ بَخْسٍ»^۲ حراج کنند و با پول آن، با اسلحه بخرند و یا هزینه‌های بازسازی و درمان معلولان و درماندگان را بپردازند و مردم اروپا و آمریکا همچنان در ناز و نعمت زندگی کنند و بر جهالت سران برخی از کشورهای اسلامی بخندند. در چنین هنگامه‌ای که ابرهای تیره فتنه در آسمان کشورهای اسلامی خیمه زده‌اند، راهی جز بازگشت به قرآن وجود ندارد. قرآن سرچشمه آگاهیهای سازنده و راهگشا است. غفلت از این نوشداروی شفابخش، مساوی با استقبال از بیماری، خواری و گرفتاری است. با «اعتصام بحبل الله» و تمسک به قرآن مجید، راهبردهای متعدد و متنوعی برای برون‌رفت از این

۱. صافات، ۲۴.

۲. یوسف، ۲۰.





بحران پیدا می‌شود که هر کدام کلیدی برای گشودن یک در بسته قلمداد می‌شوند.
در اینجا تنها به سه راهبرد اشاره می‌شود:

۱) اصلاح ذات بین

قرآن مجید مؤمنان را برادر می‌داند و بر یگانگی آنان و اصلاح ذات بین تأکید می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ».^۳ رسالت و مسئولیت کارگزاران، عالمان و متفکران اسلامی در قبال این آیه شریفه، در عصر کنونی خطیر و سرنوشت‌ساز است. به جای آنکه کشورهای اسلامی قدرت و ثروت خود را صرف برگزاری همایشهای تشریفاتی و تکراری کنند، باید به طور جدی مشکلات جهان اسلام را در دستور کار جلسات همه جانبه قرار دهند و با کمک اهل حل و عقد و صاحبان استنباط و اجتهاد، بی‌تعارف مسائل اساسی مسلمانان را بررسی کنند و با چاره‌اندیشیهای مؤثر، اسباب آرامش و تکامل امت اسلامی را فراهم آورند.

آنان مگر نمی‌بینند که اروپاییان بعد از رنسانس و جنگهای طولانی و صدساله و تحمل جنگهای جهانی اول و دوم، با دهها میلیون تلفات، چگونه باهم کنار آمده و اتحادیه اروپا و پول واحد و لغو روادید راه انداخته‌اند؟ هنوز هم دیر نشده است و مسلمانان باید با عقلانیت و با الهام از تعالیم جاودان پیامبر اعظم(ص)، از این راه سنگلاخ بگذرند و بر سرای «سلم» وارد شوند و با تجدید حیات معنوی، راه و رسم دیگری را بنیان گذارند و اختلافات کمرشکن را به موزه تاریخ بسپارند و تخم دوستی و برادری در پهن دشت دلها بکارند.

۲) تعاون در میدان نیکی و تقوی

قرآن کریم دو پهنه مجاز و ممنوعه را برای تعاون تعریف کرده است و می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ

وَالْتَقَوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ».^۴ در منطقه مجاز همکاری، مسلمانان میدان عمل گسترده‌ای دارند. «برّ» و «تقوی» صفت بارز همه اعمالی است که صبغه الهی دارند و در منطقه غیر مجاز، اثم و عدوان نشانه روشن همه کارهایی است که از رنگ و بوی شیطانی برخوردارند. شارحان سنت و مفسران قرآن و اندیشه‌ورزان مسلمان، باید با قلم و قدم دست به روشنگری زنده و نادرستی تعاونهای شیطانی را برملا کنند.

کدام عقل سلیم گواهی می‌دهد که کشتار بی‌رحمانه سنی و شیعه از مصادیق تعاون در نیکی و تقوی است؟ آیا مسلمان کشی آن هم بدون مؤاخذه و محاکمه، در قاموس دین نشانه‌ای دارد؟ دردا که جای اثم و عدوان، با برّ و تقوی عوض شده است و سیاهی به جای سپیدی تقدیس و تکریم می‌گردد. سکوت آمیخته با تجاهل برخی از اهل علم در جهان اسلام، باعث شگفتی و تحیر است و معلوم نیست تا کی باید این فاجعه استمرار یابد.

راهبرد مورد نیاز دنیای اسلام در این برهه، اهتمام به اصلاح ذات بین، نزدیک ساختن قلوب مسلمانان به همدیگر، نشان دادن عرصه‌های تعاون در برّ و تقوی و تقبیح تعاون در حوزه‌های اثم و عدوان است. مجتهدان امت در فقه بین‌المللی اسلام - که فراتر از مرزها و مذاهب است - باید این قلمروهای نو را ترسیم کنند و مسلمانان را از بایدها و نبایدهای برخاسته از قرآن در مقیاس امت واحد آگاه سازند. نه تنها یک و نیم میلیارد مسلمان نیازمند فهم احکام جهانی اسلام و قرآن مجید هستند، بلکه بشریت بحران زده و آشفته از تمدن مادی‌گرای غرب، نیز نیاز مبرم به این راهکارهای اعجاز‌آمیز دارند، تا به آرامش و رستگاری نایل آیند.

۳) امر به معروف و نهی از منکر

فلسفه بعثت انبیا(ع) تکمیل مکارم اخلاق، اقامه نماز، ترویج امر به معروف و نهی از منکر، احیای فضایل

و مبارزه با رذایل است. کمک به اخراج بندگان از وادی ظلمات به سمت نور و ایجاد افقهای روشن و امیدآفرین، در سرلوحه رسالت عالمان فرهیخته در هر عصری قرار دارد. بهره‌مندی معقول از امر به معروف و نهی از منکر، نیاز فطری همه انسانها است. گوهر امر به معروف و نهی از منکر، ولایت مؤمنان بر همدیگر در سایه ولایت عظمای الهی است.

قرآن مجید می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».^۵ اگر دایره فهم مسلمانی آن‌گونه تنگ شود که هر فرقه همه آنچه را باور دارد، معروف پندارد و همه آنچه را که دیگر فرق اسلامی قبول دارند، منکر انگارد و دست به تعرض زند و به صورت این و آن چنگ اندازد، قوام امت واحده و امت وسط فرومی‌پاشد و رونق مسلمانی بر باد می‌رود. از این رو باید در مقیاس امت واحده، معروف و منکر با استنباط از قرآن و سنت و تعالیم اولیای دین، بازشناسی و تدوین گردند و با درک زمان و مکان، مسیرهای امر به معروف و نهی از منکر، مهندسی شوند و با بهره‌گیری از شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی و برگزاری جلسات در سطح بین‌الملل اسلامی، مصادیق معروف و منکر عالمانه و هنرمندانه تبیین شوند، تا مسلمانان با نیروی فرقان و بصیرت، سره را از ناسره تشخیص دهند و به وظایف اجتماعی، انسانی و اسلامی خود عمل کنند و از آزار همدیگر بپرهیزند و به ناحق خون هم‌کیشان خود را بر زمین نریزند.

ترسیم سازوکارها و ابعاد علمی و اجرایی امر به معروف و نهی از منکر، در فقه جهان‌شمول و امت‌بنیاد اسلامی، هم حرکتی سازنده برای رستگاری و صلاح امت مسلمان و هم ارمغانی ارزنده برای بشریت به ستوه آمده از جمود مادی‌گرایی و دنیاپرستی است. امروزه فردگرایی و تک‌روی، فقدان تکافل اجتماعی، و کم‌رنگ شدن مسئولیتهای انسانی متقابل، باعث بروز

رکود و جمود نگران‌کننده‌ای در عرصه تمدن غرب شده است و ره‌آوری جز پوچ‌گرایی و نیست‌انگاری دربر ندارد. رستن از این دام بشر ساخته، راهی غیر از روی آوردن به مکتب انبیا ندارد و انسان معاصر در پرتو جهان‌بینی توحیدی، مجال نجات از این ورطه را به دست می‌آورد. فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر نه تنها اسلامی است، بلکه اصالت انسانی دارد؛ چون پاسخ روشنی به نیازهای فطری همه بنی آدم است.

قرآن مجید ضمن جدا کردن اهل کتاب نیکوکار از اهل کتاب ناصالح، از اهل کتاب نیکوکار تجلیل می‌کند و می‌فرماید: «لِيُسْوَ سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ. يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ».^۶ در این آیات انجام امر به معروف و نهی از منکر بین صالحان اهل کتاب، از درخشندگی ویژه‌ای برخوردار است. این حقیقت نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر فراتر از مذاهب و ادیان، وجهه انسانی و فطری دارد و منحرف کردن مسیر آن، آسیب آفرین و خطرناک است.

بسیار شایسته است که در این دوره متلاطم، عالمان ژرف اندیش به آسیب‌شناسی این عبادت سترگ بپردازند و آن را از کمند تنگ‌نظریها بیرون آورند و وجاهت جهانی و انسانی آن را آشکار سازند. در پرتو این اقدام راهبردی، مصادیق معروف و منکر و سازوکارهای این عبادت برای امت واحده بهتر از گذشته و به صورت همگن روشن می‌گردد و مسیرهای متناقض از میان می‌رود و جان و مال و سرزمین مسلمانان از تعدی و تعرض مصون می‌ماند. به امید روزی که همه از جای برخیزیم و به ریسمان الهی درآویزیم.

